

تحولات سیاسی اخیر در کاهش بهای جهانی نفت*

دکتر محمد علی خسروی^۱، اژدر پیری سارمانلو^۲

چکیده

یکی از دلایل کاهش قیمت نفت، کنش‌های سیاسی برخی کشورها است که با اهداف سیاسی خود از نفت به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. نکته مهم در این بین اشاره به دلایل استفاده از این تصمیمات توسط کشورهای صاحب نفوذ است. انگیزه‌ها و عوامل سیاسی که اکنون ریشه در منافع آمریکا و عربستان دارد. در واقع این عوامل را می‌توان به دو دسته: مقابله غرب با روسیه و تقابل بین ایران و عربستان تقسیم کرد.

آمریکا و عربستان با دامن زدن به کاهش قیمت نفت منافی را در منطقه خاورمیانه و همینطور در آمریکا دنبال می‌کنند که برای آن نیازمند حفظ تولید فعلی و حتی افزایش آن هستند. بازی سیاسی عربستان و همدستی این کشور با آمریکا برای اعمال فشار بر کشورهای روسیه و ایران است. رویارویی روسیه با غرب و چالش‌های فراروی روسیه از ابعاد تحریم‌های این کشور بر سر مسئله اوکراین و شبه‌جزیره کریمه است. همچنین تقابل ایران و عربستان دو قدرت منطقه‌ای را می‌توان یک رقابت منطقه‌ای و تقابل ایدئولوژیک توصیف کرد. نتایج این گونه تنش‌ها به نفع کشورهای مصرف‌کننده و به ضرر تولیدکنندگان نفت بوده است. با توجه به یافته‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته در شرایط کنونی و اوضاع تنش‌آمیز خاورمیانه بعید به نظر می‌رسد که بهای نفت در کوتاه مدت به قیمت‌های اواخر سال ۲۰۱۴ برسد.

واژگان کلیدی: عوامل سیاسی، آمریکا، عربستان، نفت، ایران، روسیه.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی (پایان نامه) اینجانب، اژدر پیری سارمانلو با استاد راهنمایی دکتر محمدعلی خسروی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز با عنوان "عوامل سیاسی-تکنیکی کاهش قیمت نفت (۲۰۱۵-۲۰۱۴)" می‌باشد.

^۱ استادیار علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز (نویسنده مسئول).

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

مقدمه

کارشناسان بین‌المللی از رفتار عربستان چنین برآورد می‌کنند که این کشور در جریان مذاکرات هسته‌ای با حمایت از سیاستی که به کاهش قیمت نفت می‌انجامید، به دنبال افزایش فشار بر ایران است. در حال حاضر نیز تحلیل‌ها نشان می‌دهد که رقبای ایران به دنبال کمرنگ کردن آثار لغو تحریم‌ها و خنثی کردن تأثیر افزایش صادرات نفت ایران بر درآمد نفتی آن هستند.

عوامل بنیادین و غیربنیادین در تغییر قیمت نفت

نوسانات قیمت ناشی از عوامل بنیادین موجب طولانی شدن فرایند تغییر قیمت نفت خواهد شد؛ به گونه‌ای که این فرایند به زودی پایان نمی‌پذیرد. ولی عوامل غیربنیادین تأثیرات کوتاه مدت‌تری دارند. در حالی که تمام کارشناسان مسایل نفتی بر این باورند که قیمت نفت خام در سطح جهانی در بازار جهانی تعیین می‌شود، اما آنها بر عواملی که بازار را کنترل می‌کنند و یا بر آن تأثیر جدی می‌گذارند، اتفاق نظر ندارند. در هر صورت در بازار جهانی نفت، عرضه و تقاضا شاخص‌های اساسی برای تعیین قیمت نفت محسوب می‌شوند. بدون شک عرضه و تقاضا تحت تأثیر عوامل متعدد اقتصادی، سیاسی و روانی است. اغلب عوامل روانی، اثرات کوتاه مدت و آنی بر قیمت نفت می‌گذارد. عوامل سیاسی اثرات طولانی‌تری بر تعیین قیمت نفت در بازار جهانی نسبت به عوامل روانی که خود می‌تواند از تصمیمات سیاسی و یا اقتصادی ناشی شود، دارد.

از جمله عوامل بنیادین (عوامل سیاسی) می‌توان به کاهش ذخایر نفتی جهان، کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، کاهش روند ذخیره‌سازی و ظرفیت تولیدی، افزایش هزینه استخراج در آمریکا و افزایش تقاضا و مصرف جهانی به‌ویژه افزایش روزافزون مصرف نفت توسط کشورهای نوظهور

در کنار عوامل اقتصادی کاهش قیمت نفت، برخی از علل و عوامل سیاسی نیز در کاهش قیمت نفت نقش آفرین هستند که از آن جمله می‌توان به بازیگری آمریکا و عربستان در این خصوص اشاره کرد. با بهم ریختن اوضاع سیاسی منطقه غرب آسیا و کاهش تولید برخی کشورهای صادرکننده نفت، عربستان تولید خود را افزایش داد. پس از بروز آرامش نسبی در منطقه و بازگشت تولید کنندگان نفت به بازار جهانی؛ عربستان حاضر به کاهش میزان تولید خود و بازگشت به سهمیه خود نبود. در حال حاضر عربستان با عدم کاهش تولید نفت خود خواستار دستیابی به همان درآمد سابق از تولید نفت است. از سوی دیگر عربستان به عنوان بازیچه سیاست‌های آمریکا، با کاهش عمدی قیمت نفت به دنبال ضربه زدن به منابع درآمد دو کشور ایران و روسیه است تا با این اقدام حمایت از جریان مقاومت در منطقه تضعیف گردد. کاهش قیمت نفت در این مقوله در عمل یک حربه سیاسی است که عربستان از آن برای رسیدن به اهداف خود و همپیمانان غربی خود استفاده می‌کند. حمایت از سیاست‌هایی که به کاهش قیمت منتهی می‌شود از سوی عربستان در حالی همچنان دنبال می‌شود که آتش این توطئه، دامن این کشور را هم گرفته و آن را با بحران درآمد و بودجه مواجه ساخته است. پایگاه خبری **تریدر بین** در گزارشی اعلام کرد که قیمت فعلی نفت، اقتصاد عربستان را به وخیم‌ترین حالت در ۱۵ سال اخیر کشانده است. ضمن اینکه ذخایر ارزی این کشور به کمترین میزان در ۳ سال اخیر رسیده است. اگر هزینه‌های این کشور با وضعیت کنونی قیمت نفت و سیاست فعلی سعودی‌ها ادامه پیدا کند، تا ۵ سال آینده ذخایر ارزی این کشور به اتمام خواهد رسید.



سیاست آمریکا در قبال سه کشور اصلی صاحب ذخایر نفت

الف) عربستان

ارزیابی ظرفیت بالقوه منابع نفتی عربستان سعودی و در واقع کلیه مناطقی که در حاشیه خلیج فارس قرار داشتند، با نگرانی مجدد ایالات متحده آمریکا در مورد ناکافی بودن ذخایر نفت آن کشور که در پایان جنگ جهانی دوم موجب مشکلات فراوانی برای آمریکا شده بود، همراه گردید. با افزایش فوق‌العاده سریع تقاضا در داخل ایالات متحده آمریکا و فزونی آن بر تولید نفت داخلی، در اواسط جنگ جهانی دوم این نگرانی که ممکن است آمریکا یکبار دیگر دچار کمبود نفت شود، ذهن مقامات آمریکایی را به خود مشغول نموده بود، در نتیجه تئوری ذخیره‌سازی مطرح شد. براساس این تئوری ایالات متحده برای اینکه بتواند ذخایر داخلی را برای آینده و جنگ احتمالی دیگر حفظ کند، باید از خارج نفت وارد کند و آن را ذخیره نماید. واضح است آن ذخایر نفتی باید از خاورمیانه وارد شود.

اولین گام جهت دستیابی به نفت خلیج فارس توسط دولت آمریکا در سال ۱۹۴۵ میلادی با دیدار روزولت و ملک عبدالعزیز پادشاه عربستان سعودی بر عرشه یک ناو جنگی در کانال سوئز برداشته شد. روزولت پیشنهاد حمایت نظامی برای مقابله با هر تهاجم خارجی به عربستان سعودی و نیز سرکوب هر شورش و قیام داخلی، که حکومت عبدالعزیز را به مخاطره اندازد، ارائه نمود. درمقابل خواهان امتیاز دسترسی به منبع عظیم نفتی پادشاه شد. در ادامه در سال ۱۹۴۶ میلادی، اعطای وامی به مبلغ ۱۰ میلیون دلار به عربستان مورد تصویب قرار گرفت (راتلج، ۱۳۸۵: ۷۶).

عربستان تأثیرگذارترین کشور در بازار جهانی نفت است. عربستان دومین صادرکننده نفت به ایالات متحده آمریکا

صنعتی از جمله چین، هند و برزیل اشاره داشت. همچنین از عوامل غیربنیادین (عوامل روانی) می‌توان تحت تأثیر قرار گرفتن قیمت نفت طی انتخابات در ایالات متحده، ضعف زیرساخت‌های صنعت نفت آمریکا و در نتیجه کاهش تقاضا و همچنین تخریب زیرساخت‌های نفتی در آمریکا طی حوادث طبیعی و کاهش ذخایر نفت این کشور را ذکر کرد. کاهش نرخ برابری دلار در قبال سایر ارزهای معتبر بین‌المللی نیز در زمره عواملی است که در این دسته جای می‌گیرد.

حساسیت‌های روانی بازار نفت بسیار زیاد است. عوامل سیاسی مانند جنگ‌ها، حملات تروریستی و حتی تهدیدها، بازار نفت را تحت فشار روانی قرار داده و موجب افزایش یا کاهش قیمت‌ها می‌شوند. باید توجه داشت که عوامل سیاسی لزوماً هم جهت با عوامل تکنیکی عمل نمی‌کنند، یعنی در بسیاری موارد ممکن است عوامل تکنیکی بگونه‌ای باشند که قیمت‌ها را به سمت کاهش سوق دهند اما عوامل سیاسی فشار افزایشی داشته باشند و این خود تحلیل بازار را پیچیده‌تر می‌نماید. بعنوان مثال اگر در شرایطی، کشورهای صنعتی ناچار به برداشت از ذخایر استراتژیک شوند، طبعاً اثر فیزیکی آن افزایش عرضه نفت خام خواهد بود اما تلقی بازار آن خواهد بود که حتماً جهان با شرایط بحرانی ویژه‌ای مواجه است و این تلقی‌ها و انتظارات اثر افزایش عرضه را خنثی خواهند نمود (حسن‌تاش، ۱۳۸۷: ۱۸). ولی در این برهه از زمان عوامل سیاسی و تکنیکی هم سو و هم جهت با یک دیگر در پروسه کاهش قیمت نفت خام در جهت تضاد منافع کشورهای تولیدکننده عمل کرده است، به گونه‌ای که بیشتر کارشناسان دلیل افت شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی را عوامل سیاسی-تکنیکی می‌دانند.

ب) عراق

عراق با در اختیار داشتن حدود ۱۰ درصد از ذخایر اثبات شده نفت در دنیا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نفت عراق غول بزرگی است که سال‌ها خفته نگه‌داشته شده است و در مورد این نفت کمترین تحقیقات انجام شده است. عراق تحولات بسیاری را به خود دیده است و سه جنگ را تجربه کرده است که نظر می‌آید فقط برای نفت بوده است.

صدام در تجاوز به ایران دنبال جداسازی جنوب ایران بود که اگر این اتفاق می‌افتاد، حدود ۱۰ درصد دیگر منابع نفتی عراق افزوده می‌شد. صدام با تجاوز به کویت نیز در صدد مالکیت بر منابع نفتی آنجا بود که در صورت پیروزی، عراق با در اختیار داشتن حدود ۲۸ درصد از منابع نفتی جهان، بزرگترین قدرت نفتی جهان شناخته می‌شد. اما برای غرب ناخوشایند نبود که عراق بر کویت حاکمیت پیدا کند و صدام غول نفتی جهان شود. لذا آمریکا به حمایت از کویت پرداخت، عملاً این نفت و امنیت آن بود که واکنش ایالات متحده آمریکا، کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و نهایتاً سازمان ملل متحد را برانگیخت. در حقیقت نگرانی آمریکا در خاورمیانه که سبب مداخله نظامی شد، از نگرانی دیرینه ایالات متحده آمریکا در مورد امنیت عرضه نفت و امنیت عربستان سعودی نشأت می‌گرفت. چون این گمان وجود داشت که صدام در صورت اشغال کویت به اشغال عربستان دست خواهد زد (همان، ۱۱۲).

می‌توان گفت که آمریکا به خوبی نفت عراق را برای روزهایی نگه‌داشت که تولید در حوزه‌های دیگر کاهش می‌یابد و حساب شده دست به تحریم عراق زد. برخی کارشناسان معتقد بودند که عراق تنها کشوری است که در آینده از لحاظ تولید می‌تواند با عربستان رقابت کند. چون سال‌ها میادین نفتی این کشور دست نخورده باقی ماند است. دولت عراق

است و ۲۰ درصد از نفت خود را در سال ۲۰۰۸ میلادی به آمریکا صادر کرده است. در نتیجه امنیت عربستان برای آمریکا مهم است، در همین راستا آمریکا قراردادهای نظامی با عربستان امضا کرده و مخالفان خاندان حکومتی را سرکوب می‌کند. علاوه بر این با ایجاد پایگاه‌های نظامی در خلیج فارس در مقابل تهدیدات خارجی علیه عربستان به مقابله خواهد پرداخت و در صورت وجود جنگ نیز امنیت سکوه‌های نفتی عربستان را تأمین خواهد کرد. به طوریکه در عرض دو ساعت قادر به تصرف مناطق استراتژیک عربستان است. به عبارت دیگر امنیت عرضه انرژی را تأمین خواهد کرد.

هرگاه تهدیدی بروز کند، آمریکا از هر وسیله‌ای که لازم باشد برای استمرار جریان نفت استفاده خواهد کرد، این اصل به دکتترین کارتر معروف است. کارتر اعلام کرد: «منطقه‌ای که اکنون در معرض تهدید و خطر نیروهای شوروی مستقر در افغانستان قرار گرفته دارای اهمیت استراتژیک زیادی است، بدین معنی که دو سوم ذخایر نفتی قابل صدور به جهان را در خود دارد.» براساس دکتترین کارتر هرگونه حرکتی از جانب نیروهای متخاصم برای کنترل منطقه خلیج فارس، تجاوز به منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا تلقی می‌گردد که برای دفع آن از هر وسیله از جمله نیروی نظامی استفاده خواهد گردید. نفع اساسی و مشترکی که بین بزرگترین صادرکننده نفت جهان و بزرگترین واردکننده نفت جهان وجود دارد، دفاع از ذخایر عظیم نفت پادشاهی سعودی است. از نظر ایالات متحده آمریکا این دارایی هرگز نباید به چنگ قدرت بالقوه متخاصمی بیفتد. برای آل سعود نیز این ذخایر برای بقای خاندان اهمیت حیاتی دارد. با این همه، سعودی‌ها باید بیش از هر زمان دیگر مراقب باشند تا به عنوان مخالف سیاست‌های ایالت متحده آمریکا در خاورمیانه شناخته نشوند.



حاکمین بر ایران است. به عنوان مثال وزیر اسبق نفت چنین می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران، به عنوان دومین تولید کننده نفت در مجموعه کشورهای عضو اوپک، می‌بایست حدود ۱۲ درصد از کل افزایش تقاضای جهانی نفت را طی ۲۰ سال آینده تأمین کند. از این رو لازم است در تنظیم سیاست‌های داخلی، اولویتی ویژه به توسعه سرمایه‌گذاری در بخش نفت داده شود» (درخشان، ۱۳۸۸: ۲۰۱). آنچه که از سخنان ایشان برداشت می‌شود، تأمین امنیت عرضه کشورهای مصرف کننده است، در حالی که هدف ما باید حداکثر کردن منافع ملی باشد.

براساس مطالعات صورت گرفته در مورد آینده صادرات نفت ایران، خالص صادرات نفت ایران در افق ۱۴۰۴ منفی است و ایران باید حدود ۵۰۰ هزار بشکه روزانه نفت وارد کند و تنها راه جلوگیری از این کاهش تولید و به تبع آن کاهش صادرات نفت، تزریق گاز به میادین نفتی است (طاهری و جهرمی، ۱۳۸۶: ۱۳). اگر این چنین باشد، حکومت ایران بسیار آسیب پذیرتر از آن خواهد بود که در حال حاضر به نظر می‌رسد. بر اثر کاهش درآمدهای نفتی، اقتصاد نفتی ایران آسیب‌های جبران ناپذیری را متحمل خواهد شد. در نتیجه حکومت قادر به پاسخگویی نیازهای مردم نیست و یک کودتا شکل خواهد گرفت. آمریکا با هدایت کودتای می‌تواند نظام را براندازی کند و با تکیه بر منابع گاز ایران، امنیت عرضه گاز برای غرب را نیز به دست خود بگیرد.

بحران نفتی ایران یک فرصت استراتژیک است. بدون افزایش قیمت، ممکن است به دلیل افت صادرات، جریان رانت انحصاری رژیم کاهش یابد. در چنین وضعیتی اتخاذ سیاست‌های مناسب به نظر می‌رسد که بتواند مشکلات داخلی رژیم را همزمان ترکیب کند. یک جمله اقتصادی به قیمت انحصاری، بدون خشونت، از این نوع سیاست‌ها است

پیش‌بینی می‌کرد که با توسعه میدان‌های نفتی، میزان ظرفیت تولید نفت عراق تا شش سال دیگر به دوازده میلیون بشکه در روز برسد (اکونیوز، ۲۲ آذر ۱۳۸۸). ولی در حال حاضر، به دلیل جنگ داخلی عراق، اختلاف دولت مرکزی عراق با حکومت خودمختار اقلیم کردستان و همچنین ظهور پدیده داعش، این کشور را در رسیدن به اهدافی که برای تولید روزانه دوازده میلیون بشکه پیش‌بینی کرده بود، بازداشت.

مسئولان آمریکا ادعا می‌کردند که نفت هیچ نقشی در انگیزه اشغال عراق در مارس ۲۰۰۳ میلادی نداشته است. اما با نگاهی دقیق‌تر به طراحی جنگ آمریکا علیه عراق، تصویر کاملاً متفاوتی دیده می‌شود. دولت بوش در نظر داشت میادین نفتی عراق را بدون هیچ آسیبی اشغال کند تا منابع درآمدی کافی جهت بازسازی عراق در اختیار داشته باشد. اما آنچه مشاهده می‌کنیم از جنگ در افغانستان، عراق و ... همه و همه در راستای تأمین امنیت عرضه انرژی آمریکا است. هنری کسینجر بیان کرده است که: «جمعیت‌زدایی باید نخستین اولویت سیاست آمریکا در قبال جهان سوم باشد. زیرا که اقتصاد آمریکا به مقدار بیشتری از مواد اولیه موجود در کشورهای ماوراء بحار و بیش از همه، کشورهای کمتر توسعه‌یافته، نیازمند است» (کیهان، ۲۵ دی ۱۳۸۷).

ج) ایران

ایران دارای مزیت‌های بیشتری از دو کشور دیگر است. علاوه بر دارا بودن منابع عظیم نفتی، دومین کشور از لحاظ حجم ذخایر گازی نیز هست. گاز نقش تعیین کننده‌ای در آینده انرژی جهان دارد و ایران نقش مهم و تأثیر گذاری در آینده خواهد داشت.

در ایران راهبرد آمریکا با دو کشور دیگر متفاوت است. آمریکا در ایران به دنبال یک جنگ نرم و براندازی اقتصادی و سپس

می‌باشد (دهشیار، ۱۳۹۳: ۱۷۹). در حال حاضر به خاطر بحران داخلی اوکراین که حاصل رقابت و مبارزه دیرینه احزاب و جناح‌های سیاسی طرفدار روسیه و غرب برای قبضه کامل قدرت و بیرون راندن حریف از صحنه می‌باشد، مدتی است که روابط مسکو و واشنگتن متشنج گردیده است. این در حالی است که روسیه و آمریکا همچنان یکدیگر را به دخالت در امور داخلی اوکراین، عدم احترام به حاکمیت مستقل و تمامیت ارضی آن و حمایت از سیاستمداران و احزاب طرفدار و متمایل به خود در این کشور متهم می‌کنند. طرفداران روسیه در اوکراین مدتی است که هدف انتقاد و حملات شدید ملی‌گرایان و احزاب راست افراطی این کشور قرار دارند. پیوتر سیموننکو رهبر حزب کمونیست اوکراین ۹ آوریل ۲۰۱۴ در پارلمان این کشور مورد ضرب و شتم اعضای حزب راست‌گرای آزادی قرار گرفت (فرارو، ۲۰ فروردین ۱۳۹۳). به دنبال برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۲۵ مه ۲۰۱۴ در اوکراین، پترو پروشنکو ۴۸ ساله و تاجر میلیاردی اوکراینی با کسب اکثریت آرا در دور اول انتخابات پیروز شد. استقلال‌طلبان طرفدار روسیه روز بعد از انتخابات به فرودگاه استان دونتسک واقع در شرق اوکراین یورش برده و آن را به تصرف کامل خود درآوردند. این در حالی است که برگزارکنندگان و حامیان غربی انتخابات مزبور انتظار داشتند اعلام نتایج باعث تخفیف ناآرامی‌هایی شود که بیش از ۶ ماه به طول کشیده است. رئیس جمهور آمریکا از جمله نخستین رهبرانی بود که به برگزاری این انتخابات و نتایج آن واکنش نشان داد و آن را به رسمیت شناخت (دیپلماسی ایرانی، ۵ خرداد ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد پروشنکو به‌رغم طرفداری از غرب و امضای موافقت‌نامه با مؤسسات وابسته به اتحادیه اروپا، نسبت به دوری کامل از کرملین محتاط است. وی میداند که یک رابطه تیره و تار با کرملین می‌تواند منجر به

(Stern, 2007: 15). سیاست صادرات گاز که در دستور کار قرار گرفته در ادامه پازل براندازی نرم قرار می‌گیرد که مسئولین ناآگاهانه به دنبال آن هستند. تنها راه جلوگیری از کاهش صادرات نفت و افزایش تولید نفت، تزریق گاز به میادین نفتی است. ویژگی مخازن ما به گونه‌ای است که با تزریق گاز، ضریب بازیافت بیشتر افزایش یابد. همچنانکه ایران می‌تواند به عنوان اولین قدرت دنیا در مجموعه ذخایر قابل استحصال نفت و گاز قرار گیرد (سعیدی، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

بحران اوکراین

اوکراین در لغت به معنای پایان قلمرو، حاشیه و مرز است. به نظر می‌رسد این عنوان به دلیل موقعیت حائل این سرزمین در مقابل حملات قبایل شرقی به اروپا به آن اطلاق شده باشد (کتاب سبز اوکراین، ۱۳۸۸: ۳۱). نابودی اتحاد جماهیر شوروی، جوامع روس زبان در جمهوری‌های پیرامون روسیه را به شدت تحت تأثیر قرار داد. حدود ۲۵ میلیون روس در آغاز دهه ۱۹۹۰ در جمهوری‌های مختلف اتحاد جماهیر شوروی (به جز روسیه) سکونت داشتند که شرایط پس از فروپاشی، مشکلاتی را برای آنان به ارمغان آورد. در پی این تحول، روس‌های ساکن نقاط پیرامونی روسیه نه تنها امتیازهای دوران اتحاد شوروی را از دست دادند، بلکه مورد تعرض‌های گوناگون ساکنان بومی جمهوری‌ها قرار گرفتند. (کولایی، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

شکل‌گرفتن ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی در اوکراین که از ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ با آغاز تظاهرات در میدان استقلال کی‌یف کلید خورد این فرصت تاریخی را در اختیار ولادیمیر پوتین قرار داد که نگاه بالا به پایین و تلقی روسیه به عنوان یک قدرت رده دوم به وسیله آمریکا را زیر سؤال ببرد و خواستار احترام نسبت به روسیه شود و این که روسیه همچنان یک قدرت جهانی



تشدید وضعیت نامساعد برای کسب و کار افراد مختلف جامعه و به‌ویژه بیشتر کسانی که رابطه نزدیکی با روسیه دارند، گردد. بروز هرگونه اشتباهی ممکن است به جای اصلاح و بهبود اقتصاد اوکراین، لطمات جبران‌ناپذیری را به آن وارد نماید. آنچه روشن است این که اوکراین نیازمند یافتن یک حد وسط و نقطه توازن بین روسیه و اتحادیه اروپا می‌باشد (Popova, 9 May 2014: 1-3).

در حقیقت، اساس بازدارندگی ارائه خاطر جمعی به کشور هدف است. بازدارندگی از دو بخش تشکیل شده که تهدید و در عین حال اطمینان خاطر دادن به کشور هدف را در بر می‌گیرد. برای مانع شدن از اینکه روسیه که دارای حس نامنی تاریخی و ترس ژئوپولیتیک است به سوی انضمام اوکراین دولتهای بالتیک پیش نرود در کنار اینکه آمریکا روسیه را تهدید به واکنش می‌کند آمریکا باید به روسیه اطمینان خاطر دهد که هیچ تلاشی نخواهد کرد از برتری که در حیطه‌های مختلف، مخصوصاً نظامی برخوردار می‌باشد برای به خطر انداختن منافع حیاتی این کشور استفاده کند. بازدارندگی موفقیت‌آمیز نیازمند وجود تهدید و دادن اطمینان خاطر به صورت توأمان است (Schelling, 1966: 74). ناکامی آمریکا در درک این مهم که تهدید به تنهایی کافی نیست اقدام خصمانه روسیه در خصوص اوکراین را به یک حقیقت غیرقابل اجتناب تبدیل نمود. روس‌ها نهادی مثل ناتو و اتحادیه اروپا را نقشه آمریکا برای پنهان کردن نیت اصلی خود که همانا محاصره و تضعیف روسیه است برای خود ترسیم ساخته‌اند (Lucas, 2009: Xiii).

تحریم‌های اعمالی غرب علیه روسیه

روابط روسیه و غرب پس از آغاز بحران اوکراین در اواخر سال ۲۰۱۳ به خصوص پس از الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه تیره شد. غرب مسکو را به مداخله در امور داخلی اوکراین

متهم کرده و آمریکا و اتحادیه اروپا تاکنون چند دوره تحریم علیه روسیه اعمال کرده‌اند. این در حالی است که روسیه بارها اتهامات غرب علیه خود را مبنی بر دخالت در امور اوکراین، آشکارا رد کرده است (انتخاب، ۲۰ آذر ۱۳۹۴).

تحریم‌های غرب به ویژه اتحادیه اروپا علیه روسیه که برخی جزئیات آن منتشر شده است دارای کارکرد اقتصادی یا در راستای ایجاد فشار اجتماعی نیست بلکه عمدتاً فشار سیاسی با هدف محدودسازی مقامات دولتی و به ویژه مقامات امنیتی آن کشور را دنبال می‌کند. دولت آمریکا منافع اقتصادی مهمی در تعامل با روسیه ندارد اما اتحادیه اروپا، برخلاف ایالات متحده، ارتباطات تجاری و اقتصادی مهمی با این کشور دارد. در عین حال، اگر تحریم‌ها بخواهد از اهداف سیاسی و امنیتی فراتر رود و کارکرد اقتصادی نیز پیدا کند، بیشتر کارکرد محدودسازی سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی به روسیه را پیدا خواهد کرد و امکان بیشتری نخواهد داشت. این موضوع برای روسیه بسیار حساس و حیاتی است چون دولت پوتین تلاش می‌کند بنیان‌های اقتصادی، فنی و صنعتی خود را بازسازی و نوسازی کند و برای این کار، همکاری شرکت‌های بزرگ صنعتی غربی و بخش سرمایه‌گذاری در بخش فناوری‌های نوین را می‌طلبد. آنچه مسلم است این تحریم‌ها دارای وجهی روانی و سیاسی است. غرب با توجه به نوع رویکردها در مسایل جهانی و تبلیغاتی که در مواضع رسمی در این باره دارد نمی‌توانست در موضوع اوکراین دست روی دست بگذارد. در عین حال روسیه با این تحریم‌ها ناآشنا نیست و در اتحاد جماهیر شوروی، با آن مواجه بوده و با توجه به اثراتی که در آن مقطع داشت، روسیه امروز تلاش می‌کند تا فضای تنش را کاهش دهد و غرب هم به دنبال تنش بیشتر نیست (کرمی، ۵ مرداد ۱۳۹۳).

صورت داد. دو موسسه مالی مشمول تحریم شدند: گازپروم بانک، سومین بانک بزرگ روسیه و بازوی مالی گازپروم و نیز VEB، بانکی که ریشه تشکیل آن به سال ۱۹۲۲ بازمی-گردد. نواتک، دومین تولیدکننده گاز روسیه و روس نفت، بزرگترین شرکت نفتی روسیه، نیز مشمول تحریم قرار گرفتند. علاوه بر آنچه گفته شد، اسم تعداد زیادی شرکت دیگر و چهار مقام دولتی روسیه نیز در فهرست تحریم قرار گرفت (هفته‌نامه تجارت فردا، ۱۳۹۳: ۱۸).

در بخش تجهیزات نفتی نیز، آمریکا و اتحادیه اروپا صادرات تجهیزات High-Tech نفتی به روسیه را ممنوع کردند؛ تجهیزاتی که در قطب شمال، آب‌های عمیق و پروژه‌های استخراج نفت شیل به کار می‌روند. بر اساس تخمین مقامات رسمی، روسیه حدود ۳۰ تا ۶۰ درصد این تجهیزات High-Tech را از اتحادیه اروپا تامین می‌کند. هرچند ارزش کل این تجهیزات حدود ۱۵۰ میلیون دلار در سال است، اما وجود آنها برای پروژه‌های چند میلیارد دلاری نفت اجتناب‌ناپذیر است و در نتیجه تحریم آنها عملاً به معنای مواجه شدن پروژه‌های نفتی با مشکل خواهد بود. این کار، شرکت‌های غربی را که حدود ۳۵ میلیارد دلار در بخش نفت روسیه سرمایه‌گذاری کرده‌اند، در بن‌بست قرار خواهد داد. آمریکا و اتحادیه اروپا امیدوارند با این تحریم‌ها، سیاست خارجی روسیه را در اوکراین شرقی تحت تاثیر قرار دهند. تحریم‌ها قلب اقتصاد روسیه، یعنی نفت، را هدف قرار خواهد داد؛ اما به بخش گاز آسیبی نمی‌زند. این دو بخش مجموعاً بیش از نصف درآمدهای دولت روسیه را تشکیل می‌دهند. روسیه ۷/۵ تریلیون دلار ذخایر نفت و گاز دارد که بسیاری از آنها برای استخراج، نیازمند استفاده از فناوری شرکت‌های غربی هستند. این تحریم‌ها فقط روسیه را متضرر نخواهد کرد، بلکه شرکت‌های غربی مثل بریتیش پترولیوم و اگزون‌موبیل

در دور جدید تحریم‌ها، آمریکا سه موسسه اقتصادی شامل بانک مسکو، بانک کشاورزی روسیه و VTB Bank و یک موسسه فعال در زمینه تسلیحات نظامی یعنی United Shipbuilding Corporation را تحت تحریم قرار داد. اتحادیه اروپا نیز ضمن تحریم پنج بانک دولتی روسیه، در زمینه تسلیحات نظامی و فروش تجهیزات دارای کاربری دوگانه نظامی و غیرنظامی، محدودیت‌هایی وضع کرد. نخستین تحریم‌ها در ماه مارس سال ۲۰۱۴ و در پی فرمان اجرایی باراک اوباما صورت گرفت. در آن زمان، رئیس‌جمهور آمریکا سه فرمان اجرایی را صادر کرد. این فرمان‌ها، دپارتمان خزانهداری را موظف می‌کرد افراد خاص و کل بخش‌های اقتصادی روسیه، از جمله خدمات مالی، انرژی، معادن و فلزات، مهندسی و دفاع را تحریم کند. بر اساس فرمان اجرایی شماره ۱۳۶۶۰ در ۶ مارس که وقایع اوکراین را تهدیدی علیه امنیت ملی آمریکا عنوان می‌کرد، اموال برخی مقامات ارشد اوکراین بلوکه و مبادلات با آنها منع می‌شد. در ۱۶ مارس با توجه به حضور نیروهای روسیه در کریمه که تهدیدی برای امنیت، ثبات و یکپارچگی مرزی اوکراین تلقی می‌شد، با صدور فرمان اجرایی ۱۳۶۶۱ تحریم‌های جدیدی علیه روسیه وضع شد. در فرمان اجرایی ۱۳۶۶۲ در ۲۰ مارس نیز رئیس‌جمهور آمریکا تحریم‌هایی را علیه بخش‌های خدمات مالی، انرژی، معادن و فلزات، مهندسی و دفاعی روسیه وضع کرد. همزمان با آمریکا، اتحادیه اروپا نیز تحریم‌ها علیه روسیه را گسترش می‌داد. در ۱۷ مارس و در ۲۱ مارس ۲۰۱۴، ۱۲ مقام دیگر تحت تحریم اتحادیه اروپا قرار گرفتند. اما بزرگترین گام در تحریم روسیه پیش از این اقدام مشترک، در روز ۱۶ ژوئیه برداشته شد؛ زمانی که دپارتمان خزانهداری آمریکا اعلانی در زمینه فعالیت در بخش‌های خدمات مالی، انرژی، تسلیحات نظامی و نیز ناقضان حاکمیت ملی اوکراین



به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی رقابت ایران و عربستان سعودی دانست. این گونه رقابت‌ها به سایر حوزه‌های جغرافیایی یعنی سوریه، لبنان، بحرین و یمن نیز گسترش یافته است. توازن قدرت یکی از عوامل اصلی ثبات و امنیت محسوب می‌شود. هم‌اکنون شکل دیگری از تغییر در معادله توازن منطقه‌ای در حال شکل‌گیری است. حمایت‌های سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی آمریکا از عربستان محور اصلی شکل‌گیری تضادهای ژئوپلیتیکی جدید و برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شود. الگوی رفتاری عربستان نشان می‌دهد که دولت آن کشور قصد ندارد تا اجازه بدهد که تحول قدرت منطقه‌ای ایران ادامه یافته و ارتقای نقش منطقه‌ای این کشور تداوم یابد (ترابی، ۱۳۹۰: ۹-۱۵۸).

در سایه رقابت‌های ایدئولوژیک میان ایران و عربستان و نگرانی ریاض از گسترش اندیشه‌های انقلابی ایدئولوژی شیعی در سرزمین‌های جنوب خلیج فارس و چند رویداد پس از انقلاب اسلامی ایران در منطقه، ریاض در جریان جنگ تحمیلی کمک‌های بسیار به عراق کرد و منابع مالی گسترده‌ای در اختیار بغداد گذاشت. حتی در چارچوب اوپک بارها به گونه‌ای رفتار کرد که ایران زیر فشار قرار گیرد. شکست طالبان و سرنگونی رژیم بعثی عراق که به معنای زوده شدن دو دشمن استراتژیک و ایدئولوژیک ایران از نقشه سیاسی منطقه بود، از نگرانی‌های امنیتی ایران کاست و در برابر به نگرانی ریاض که رقابت آن با ایران روشن بود، دامن زد (شجاع، ۱۳۸۶: ۴۳). اختلافات بین این دو کشور محدود به اختلافات دینی و مذهبی نیست، بلکه در موضوعات سیاسی و منطقه‌ای هم شاهد اختلافات عمیقی هستیم؛ که در مسائل اجتماعی و ورزشی هم نمود پیدا کرده است (فردانیوز، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۴).

و تأمین‌کنندگان تجهیزات ممکن است قربانی تحریم فناوری شوند. بر اساس اعلام وزارت خارجه روسیه، اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه بخش انرژی روسیه موجب افزایش قیمت‌های انرژی در این اتحادیه خواهد شد (راشا تودی، ۲۰۱۴ و گزارش نیویورک‌تایمز ۳۱ ژانویه ۲۰۱۴).

به هر حال؛ نوعی تغییر در رفتار روسیه درخصوص بحران اوکراین دیده می‌شود. کرملین در ابتدا این پیش‌بینی را داشت که ممکن است غرب، اقدام به واکنش نظامی کند. از همین رو، برای پاسخگویی به هجوم احتمالی آماده شد اما با رنگ‌باختن گزینه جنگ، بحث تحریم‌ها تا حدی دولت روسیه را به تکاپو واداشت. مسکو، تلاش کرده تا با اقناع غرب پیرامون منافع خود در اوکراین و نوعی دلجویی از طرف‌های مقابل و مخالفان روسیه در اوکراین، بقیه مسایل مربوط به اوکراین را از طریق مذاکره و گفت‌وگو حل‌وفصل کند و بر این موضع باقی مانده است اما دولت اوکراین حاضر به گفت‌وگو با روس تباران مخالف خود نیست. روسیه؛ به خوبی می‌داند مجموعه غرب - شامل آمریکا، کانادا و اتحادیه اروپا و حتی متحدان غرب در جنوب شرق آسیا و استرالیا - به لحاظ اقتصادی، می‌توانند فشارهایی را اعمال کنند و این رخداد، خوشایند روسیه نیست و همین مساله، سبب خواهد شد تا طرفین به سمت نوعی مصالحه تدریجی در این حوزه حرکت کنند (کرمی، همان).

تقابل ایران و عربستان

در رقابت‌های منطقه‌ای ایران - عربستان، می‌توان جلوه‌هایی از رقابت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک را مورد ملاحظه قرار داد. فعال سازی متحدین و حمایت از آن‌ها بخش دیگری از نشانه‌های رقابت دو کشور محسوب می‌شود. عراق را می‌توان

حمایت و پشتیبانی کند. عربستان زمانی که متوجه شد آمریکا با اقدامات و تلاش‌های این کشور به منظور تضعیف ایران و فشار اسد همراهی نمی‌کند بسیار خشمگین و عصبانی شد (Elits, 2004: 238). حاکمان جدید عربستان بسیار جسورتر از قبل شده اند و می‌شود گفت به هر طریق ممکن عزم خود را جزم کرده اند تا در مقابل ایران بایستند و مانع از نفوذ ایران در منطقه شوند. در این میان یکی از کم هزینه ترین راه‌ها برای عربستان پایین نگه داشتن قیمت نفت است. کم هزینه از این جهت که تنها در موضوع نفت است که دست بالا رو دارند و می‌توانند به عنوان اهرم از آن استفاده کنند (فرارو، همان).

الف) سوریه

نزدیک به شیش سال از آغاز بحران در سوریه می‌گذرد و همچنان این کشور شاهد درگیری‌های سنگین و جناح‌بندی‌های سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که بر عمق و گستره بحران در خاورمیانه افزوده است. از همان روزهای شروع تحولات در سوریه که با دومینوی سقوط بهار عربی عجین شد، شاهد تقابل جدی‌تر تهران و ریاض در دمشق هستیم که تاکنون و به انحای مختلف به روندهای سیاسی سوریه، فرایندهای در حال تغییر و بحران‌زا در منطقه و روابط دوجانبه ایران و عربستان شکل داده و آن را وارد فاز رقابت و اختلاف نموده است. در این میان، فارغ از عوامل و دلایلی که ایران و عربستان برای حمایت از وضعیت موجود یا مخالفت با آن در سوریه دارند که به مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و ژئوکالچر برمی‌گردد، این رقابت را می‌توان به ترسیم مرزهای سیاسی جدید، ظهور بازیگران جدید، و نظم منطقه‌ای موجودی که بر ماهیت دسته‌بندی ائتلاف‌ها و روندهای کنونی تأثیر می‌گذارد مرتبط دانست که خروجی آن به برتری میدانی یکی از این دو بازیگر منجر خواهد شد. در واقع، سوریه

روابط سرد و مناقشات میان عربستان و ایران به خوبی می‌تواند تغییرات جالب در سیاست خارجی عربستان در رابطه با موضوع بیداری عربی را توضیح دهد. در سال‌های اخیر، عربستان ایران را به واسطه برخی دلایل به عنوان اصلی‌ترین تهدید امنیتی و سیاسی خود در منطقه قلمداد می‌کند. اولین دلیل این امر به موضوع تمایل تهران برای ترویج یک سیستم امنیتی در خلیج فارس (سیستمی عاری از هر گونه دخالت‌های خارجی) و حضور دائمی این کشور در این منطقه باز می‌گردد. مسلماً چنین امری تسلط و نفوذ بیشتری را برای ایران به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر پیگیری و تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای و تأثیر بالقوه‌ای که این امر می‌تواند بر شکل‌گیری دستور کار منطقه‌ای داشته باشد نیز خود تهدید بسیار مهمی برای عربستان خواهد بود. از دیدگاه و نقطه‌نظر عربستان، جاه‌طلبی‌های ایران و قابلیت‌های نظامی این کشور می‌توانند به نفوذ بیشتر ایران در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و همچنین جامعه و اقلیت مسلمانان شیعه در عربستان منجر شود (Nasr, 2006: 56).

باید به این نکته اذعان کرد که تمامی این اقدامات و تلاش‌ها در راستای رویکردی هستند که عربستان از آغاز بهار عربی اتخاذ نموده است. به نظر می‌رسد که عربستان قاطعانه‌تر از گذشته برخورد می‌کند و با تمام قدرت به منظور تغییر شکل نقشه اتحاد منطقه و دستیابی به منافع خود تلاش می‌کند. اگر از لحاظ تاریخی نیز به این موضوع بنگریم، درمی‌یابیم که عربستان همواره خواهان نوعی رویکرد خاص در تقابلات و رویارویی‌های خود بوده است، رویکردی با ریزه کاری‌های خاص خود و تا حد بسیار زیادی ارتجاعی. حتی در موضوع سوریه نیز عربستان ترجیح می‌داد که متحد تاریخی خود یعنی آمریکا، از اپوزیسیون و گروه‌های مخالف فشار اسد



گسترش و روبه‌رشد ایران در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه بایستد و با آن مقابله کند. عربستان امیدوار بود تا با تضعیف حکومت بشار اسد بتواند قدرت محور شیعه را نیز کاهش دهد (Entousand & Gorman, 31 December 2013). در واقع، از زمان آغاز بیداری عربی، پادشاهی عربستان همواره بر اساس همین فرض عمل کرده است. عربستان به همراه قطر اقداماتی را به منظور تضعیف بیشتر محور اتحاد ایران - سوریه انجام دادند. عوامل اصلی که سطح و میزان اختلافات ایران و عربستان را مشخص می‌کند، موضوع بقا یا حذف بشار اسد و نظام سیاسی اوست. اگرچه این موضوع به‌ویژه در دو سال اخیر به شکل جدی و فوری در دستور کار سعودی‌ها قرار گرفته است، برای ایران از همان روزهای آغازین بحران تا مقطع کنونی حفظ اسد و نظام سیاسی او، در روندهای تصاعد بحران از اهمیت تاکتیکی و استراتژیک برخوردار بوده است. سعودی‌ها معتقدند که اسد در طول سال‌ها به‌عنوان متحد ایران، نقش راهبردی در محور مقاومت ایفا کرده و در واقع، تونلی برای کمک‌های ایران به حزب‌الله لبنان بوده است؛ از این رو، عنصر شخص در روند رقابت‌های تهران و ریاض در سوریه یک عامل تعیین‌کننده محسوب می‌شود. بنابراین، حفظ و بقا یا حذف ساقط کردن این ساختار و نهادهای دولتی در هرگونه روند انتقالی و برگزاری انتخابات عنصری مهم به‌شمار می‌رود (سیاسی، ۲۲ آذر ۱۳۹۴).

ب) یمن

عربستان کشور یمن را در حوزه امنیتی خود می‌داند و همواره استقلال و اتحاد آن را چالشی برای خود توصیف می‌کند. سیاست سنتی عربستان در یمن در قالب تلاش برای ایجاد دولت مرکزی ضعیف با بازیگران سیاسی متعدد بود بر این اساس ضمن ارتباط با بازیگران سیاسی، با شیوخ قبیله

پایگاه بسیار مهمی در خاورمیانه است که نحوه گذار مسالمت‌آمیز یا خشونت‌آمیز در آن می‌تواند بر ترسیم رقابت‌ها و ائتلاف‌بندی‌های منطقه‌ای در آینده تأثیرگذار باشد.

روابط عربستان با سوریه (به عنوان مهم‌ترین متحد عرب ایران در منطقه خاورمیانه) در پی ناآرامی‌های سوریه رو به تنزل و وخامت گذاشت. این اعتراضات در ماه مارس سال ۲۰۱۱ میلادی در سوریه آغاز شد و پس از آن جنگ داخلی در سوریه را با خود به همراه داشت. سیاست‌های فعلی عربستان در رابطه با موضوع سوریه، شامل یک تغییر مهم در نگرش پادشاهی عربستان نسبت به حکومت بشار اسد است. در واقع، پس از شکاف و اختلاف شدیدی که میان این دو کشور در پی ترور «رفیق حریری»، نخست‌وزیر لبنان در سال ۲۰۰۵ میلادی به وجود آمد، پادشاهی عربستان استراتژی خود را در قبال سوریه تغییر داد و در ابتدا سیاست به انزوا کشیدن سوریه و سپس سیاست صریح و آشکار نسبت به این کشور را در پیش گرفت (Berti, 2012: 56).

از آن زمان به بعد، روابط سوریه و عربستان به تدریج رو به سردی گرائید و در همان زمان اعتراضات سوریه نیز مزید بر علت شد و به شکاف میان دو طرف و سردی روابط دامن زد. در واقع، همزمان با گسترش ناآرامی‌ها و اعتراضات در سوریه عربستان نیز به سرعت موضع محتاطانه خود را تغییر داد و این اقدامات را به صورت آشکارا محکوم کرد و پادشاه عربستان نیز در اوت سال ۲۰۱۱ میلادی سفیر خود را به ریاض فراخواند (Muir, 8 August 2012). موضع ضد اسد عربستان، حمایت و پشتیبانی‌های ریاض و دخالت نظامی مستقیم عربستان در راستای سرکوب اعتراضات اجتماعی و سیاسی شیعیان مسلمان در بحرین همگی نشان می‌دهند پادشاهی عربستان تصمیم گرفته تا در برابر نفوذ در حال

زنان معترض به فقدان حقوق مدنی و آزادی‌های اساسی حضور دارند و می‌تواند آینده مبهم تری از امروز برای ریاض ایجاد کنند. حمله نظامی به یمن همچنین می‌تواند موید این واقعیت باشد که سعودی‌ها برخلاف شیوه ناکارآمد پیشین که رقابت و جنگ سرد نیابتی بود اینبار مستقیم و نظامی می‌خواهند معادلات را تغییر دهند.

گروهک داعش

دولت اسلامی در عراق و شام (به عربی: الدولة الاسلامیه فی العراق و الشام) با نام اختصاری داعش که خود را دولت اسلامی (به عربی: الدولة الاسلامیه) نامیده است، گروهی شورشی فعال است که در عراق و سوریه حضور فعال دارد و بخش‌های بزرگی از شمال سوریه و عراق را در تصرف خود دارد. این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی از جهادگرایان سلفی جدا شده از شبکه القاعده تأسیس شده و با دولت‌های عراق و سوریه و دیگر گروه‌های شورشی مخالف دولت سوریه وارد جنگ شده است. داعش در واقع ادامه تشکیلاتی یک گروه از سلفی‌های جهادی در عراق به رهبری ابومصعب زرقاوی می‌باشد. زرقاوی جزو القاعده بود و سال ۲۰۰۶ در عراق کشته شد. او در اعلامیه‌های خود همواره به فتوای ابن تیمیه استناد می‌کرد. خلیفه موصل نیز خود را دنباله رو ابن تیمیه می‌داند. ابن تیمیه پدر معنوی همه گروه‌های تکفیری جهادی است. افکار او روشن و صریح است او با اندیشه و عقل بکلی مخالف است مگر اینکه آن فکر و اندیشه در راستای تأیید نقل و احادیث باشد. او هرگونه تعامل با کفار و مشرکین را حرام می‌داند. گروه‌های جهادی برپایی حکومت دینی و اجرای شریعت اسلامی را وظیفه شرعی خود می‌دانند.

برای ایجاد تعادل با دولت مرکزی نیز ارتباط برقرار می‌کرد. در واقع ریاض نه تنها هیچ‌گاه تحمل سیاست‌های مستقلانه یمن را نداشته است بلکه بدون شک در برابر این سیاست‌ها، تنبیهات لازم را اعمال می‌کند، برای مثال در جریان حمله عراق به کویت و حمایت عبدالله صالح از صدام، عربستان نه تنها حدود یک میلیون مهاجر یمنی را اخراج کرد، بلکه کمک‌های مالی به این کشور را نیز قطع کرد، حمایت این کشور از تجزیه‌طلبان سوسیالیست جنوب یمن در ۱۹۹۴ نیز در راستای تنبیه صالح بود (عالیشاه، ۲۴ مرداد ۱۳۹۳).

حال در چنین فضایی وقوع تحولاتی در یمن که در آن قبایل حوثی نزدیک به ایران با گرایش‌های شیعه گرایانه در حال فتح یکی پس از دیگری شهرهای این کشور و تبدیل شدن به قدرت مسلط در کشور هستند؛ بسیار طبیعی است که سعودی‌ها با همه ابزارهای موجود سعی کند مانع از چنین اتفاقی در یمن شوند ولو برای اینکار نیاز به حمله هوایی و بمباران مناطق شهری و غیرنظامی و یا حمایت و میزبانی از فردی شود که تا چندی پیش از رقیب او حمایت می‌کرد. در حقیقت عربستان سعودی تحولات یمن را ادامه یک زنجیره از تحولات و اتفاقات همزمان از لبنان، سوریه، عراق تا افغانستان و بحرین و شمال آفریقا می‌داند که در آن توازن‌های پیشین محلی که عمدتاً به نفع اهل سنت و یا گروه‌ها و نخبگان محافظه کار نزدیک به ریاض بودند در حال تضعیف و یا از دست دادن جایگاه خود هستند لذا سعودی‌ها قصد دارند تا با انجام عملیات «طوفان اراده» مانع از ادامه این حرکت دومینوار منطقه‌ای به نفع ایران شوند، چرا که برداشت آنها این است با از دست دادن یمن، هر آن بی‌ثباتی منطقه‌ای که دور تا دور این کشور را فراگرفته است، امکان تسری به مرزهای داخلی اش پیدا می‌کند. در جایی که جمعیت قابل توجهی از شیعیان ناراضی و نیز قشر جوان و



فعالیت نظامی داعش، در سوریه آغاز شد. داعش که از گروه‌های تندرو جدا شده بود موفق شد، بخش‌هایی از شمال سوریه را تصرف و تقریباً سراسر استان رقه را تصاحب کند. سپس همزمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کرد و موفق شد رمادی و فلوجه مرکز استان انبار را در عراق بگیرد. در سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴ میلادی) داعش با گسترش اقدام نظامی خویش توانست، موصل دومین شهر عراق را تصرف کند و بخش زیادی از خاک عراق از جمله تکریت را نیز اشغال نماید. سپس در سوریه نیز پیشروی کرد و منطقه‌هایی که دست دیگر مخالفان نظام سوریه در استان‌های دیرالزور و حسکه بود را به دست آورد. تا تیرماه سال ۱۳۹۳ حدود یک سوم خاک سوریه در تصرف داعش بود و بخش‌های زیادی از عراق را نیز در دست داشت. بیشتر بخش‌های نفت‌خیز سوریه و بسیاری از مناطق نفت‌خیز عراق را داعش در اختیار دارد.

البته فعالیت‌های داعش تنها به سوریه و عراق محدود نمی‌شود و فعالیت‌هایی از او در اردن گزارش شده‌است، همچنین به دولت لبنان اعلان جنگ کرده است. داعش که پس از گرفتن موصل بیانیه تشکیل خلافت اسلامی با خلیفگی ابوبکر بغدادی را صادر کرد و فعالیت‌های حکومتی خود را که از پیش بیشتر در سوریه آغاز شده بود گسترش داد (از جمله این اقدام‌ها چاپ اسکناس با واحد دینار داعش و گذرنامه، درست کردن پلیس، صدور نفت، راه‌اندازی شبکه تلویزیون، برگزاری گشت‌های گردشگری است)؛ نام خود را از دولت اسلامی عراق و شام به دولت اسلامی تغییر داد. دولت اسلامی در مدت کوتاهی بدلیل قانون‌های سختگیرانه و مجازات‌های سنگین شهرت جهانی پیدا کرد (مینایی، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴).

یکی از علل کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی، ورود داعش به منطقه است. گروه تروریستی که هیچ هزینه‌ای برای استحصال و تولید نفت نکشیده است، یک منبع رایگان از نفت در اختیارش قرار گرفته که قیمت طلای سیاه برایش مهم نیست و نفت را به نازل‌ترین قیمت می‌فروشد و درآمد هنگفتی هم کسب می‌کند. این امکان وجود دارد که این نوع فروش نفت، برخی از مشتریان نفت را به طمع بیندازد و همین امر باعث می‌شود که قیمت نفت با افزایش عرضه مواجه گردیده و قیمت‌ها خودبخود رو به نزول بگذارد (دانش نفت، ۱۰ آبان ۱۳۹۳). در شروع حملات این گروه چنان رعب و وحشتی جهان را فرا گرفت که قیمت‌ها را مدتی بالای ۱۱۰ دلار نگه داشت. با تصرف برخی از میادین نفت و گاز عراق توسط داعش، بیشتر به نظر می‌رسید که بازار جهانی نفت با کمبود عرضه مواجه شده و این امر موجب افزایش بیش از پیش بهای نفت شود ولی در مدت زمان کوتاهی این تصور از میان رفت و ما شاهد سقوط بهای نفت که در ۷ سال گذشته بی‌سابقه بود.

نتیجه‌گیری

بدون شک آمریکا و عربستان سعودی در توطئه برای کاهش بهای نفت خام دست دارند. واشنگتن با کمک متحد سعودی خود سعی دارد با اشباع بازار که از پیش بهای نفت خام در آن کاهش یافته بود، بهای نفت را بیش از پیش پایین آورد. در حالی که دولت‌های ایران و روسیه به شدت به صادرات نفت وابسته هستند، چنین توافقی می‌تواند توضیحی منطقی باشد برای کاهش بهای نفت آن هم در زمانی که با توجه به ناآرامی‌ها در عراق و سوریه بهای نفت می‌بایست افزایش می‌یافت. عربستان سعودی در میانه دهه ۱۹۸۰ نیز اقدامی مشابه صورت داده بود. در آن زمان، انگیزه عربستان سعودی

صنعت انرژی آمریکا نیز ضربه وارد کند و اگر ریاض بدون هماهنگی با واشنگتن دست به چنین اقدامی زده بود، بدون شک تاکنون با عواقب آن مواجه شده بود.

به هر حال، سقوط بهای نفت و کاهش ارزش روبل مواردی نیستند که به طور اتفاقی در بازار و در نتیجه عدم هماهنگی میان عرضه و تقاضا روی دهند. در واقع، همه این موارد بخشی از راهبرد وسیع تر در جغرافیای سیاسی است که با هدف ضربه زدن به اقتصاد روسیه و از سوی دیگر سلطه آمریکا بر میدان های نفتی آسیا صورت می گیرد. شرایط به وجود آمده در اصل بخشی از برنامه واشنگتن برای حفظ موقعیت خود به عنوان قدرت برتر در جهان بوده است.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- ترابی، طاهره (۱۳۹۰)، «آمریکا و ثبات خلیج فارس در روند رقابت‌های ژئوپلیتیکی ایران - عربستان»، فصلنامه دیپلماتی اصلاح عادلانه، شماره ۵.
- ۲- حسن تاش، سید غلامحسین (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل تأثیرگذار بر بازار و قیمت‌های جهانی نفت»، پژوهشکده مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۳- درخشان، مسعود (۱۳۸۸)، «دورنمای توسعه میادین نفت و گاز عراق»، نشریه اقتصاد انرژی، شماره ۱۲۰.
- ۴- دهشیر، حسین (۱۳۹۳)، «ریشه‌های رویارویی آمریکا و روسیه در بحران اوکراین»، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۲، دوره سوم.
- ۵- راتلج، یان (۱۳۸۵)، اعتیاد به نفت: تلاش بی‌پایان آمریکا برای امنیت انرژی، مترجم عبدالرضا غفرانی، تهران: ناشر اطلاعات.
- ۶- سعیدی، علی محمد (۱۳۸۱)، «ضرورت تزریق گاز به میدان‌های نفتی»، فصلنامه مجلس و پژوهش، شماره ۳۴، سال نهم.
- ۷- شبکه راشا تودی، گزارش شماره ۱۷۶۷۶۰، ۲۰۱۴، www.rt.com (برگرفته از هفته نامه تجارت، ۱۸ مرداد ۱۳۹۳، شماره ۹۷).

در جغرافیای سیاسی برای پایین آوردن بهای نفت خام به کمتر از ده دلار برای هر بشکه، بی ثبات کردن رژیم صدام حسین بود. به گفته کارشناسان منطقه خاورمیانه، این مرتبه انگیزه عربستان تحت فشار گذاشتن ایران و وادار کردن مسکو به خودداری از حمایت از بشار اسد در سوریه است.

مشکل سقوط بهای نفت زیرساخت‌های بازار نیست، بلکه اعمال نفوذ و دستکاری در بازار است. عربستان سعودی با هدف تاثیرگذاری در سهام بازار میزان عرضه را تغییر داده و برای این کار دلایل سیاسی داشته است. به هر صورت این واقعیت که عربستان سعودی در بازار اعمال نفوذ کرده است تغییری نمی‌کند. مسئله قابل توجه انگیزه‌های احتمالی عربستان برای چنین اعمال نفوذی است. کشمکش اعضای اوپک و عدم انسجام داخلی بین اعضای اوپک و اختلافات میان اعضای این سازمان منجر به این شد که اعضای اوپک نتوانند تولیدات خود را سازماندهی کنند. عربستان و متحدانش در آخرین اظهارات خود بیان کردند که همچنان بر سر تصمیم خود هستند و اوپک تولید خود را کاهش نمی‌دهد. به طور قطع تاثیرگذاری بر سهام در بازار یکی از انگیزه‌های اصلی عربستان بوده است. اگر عربستان سعودی برای مدتی طولانی بهای نفت را در بازار پایین نگه دارد، بسیاری از تولیدکنندگان نفت خام غیرعضو در اوپک، بهای پایین نفت خام را دوام نمی‌آورند و بدین ترتیب سهم بیشتری از بازار نفت به اوپک اختصاص می‌یابد و بدین ترتیب اوپک کنترل بیشتری بر بهای نفت در بازار خواهد داشت.

هیچ شکی وجود ندارد که عربستان و آمریکا در زمینه کاهش بهای نفت خام با یکدیگر هماهنگ بوده اند. در واقع، عربستان سعودی اقدامات خود را برای کاهش بهای نفت خام به دستور آمریکا انجام داده است. چنین اقدامی می‌تواند به



۸- فردانیوز، ایران و عربستان، تقابل یا تعامل؟، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۴
<http://www.fardanews.com>
 ۹- کرمی، جهانگیر، اهداف تحریم روسیه، ۵ مرداد ۱۳۹۳، روزنامه شرق.
 ۱۰- مینایی، حسین، تهدیدها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴، مرکز مطالعات بین‌المللی صلح
www.peace-ipsc.org

لاتین:

- 1- Berti, Benedetta (2012), *Lebanon's Quest for Independence: Between Fragmentation, Political Instability and Foreign Intervention, Religion, Education, and Governance in the Middle East: Between Tradition and Modernity*, Sai Felicia Krishna-Hensel (ed.) (London).
- 2- Elits, F. Herman (2004), *Saudi Arabia's foreign policy, Diplomacy in the Middle East: The International Relations of Regional and Outside Powers*, L. C. Brown (ed.) (London).
- 3- Lucas, Edward (May/June 2008), "The New cold war: Putin's Russia and the Threat to the West", *Foreign Affairs Magazine*.
- 4- Nasr, Vali (July/August 2006), "When the Shiites Rise", *Foreign Affairs Magazine*, Volume 85, Number 4.
- 5- Popova, Polina (May 9, 2014), "Petro Poroshenko: Is the Chocolate King Fit to Run Ukraine?", *Foreign Policy Journal*.
- 6- Schelling, Thomas (1966), *Arms and Influence*, New Haven, Yale University Press.
- 7- Stern, Roger (2007), *The Iranian Petroleum Crisis and United States National Security*, Department of Geography and Environmental Engineering, The Johns Hopkins University.

Website:

- 1- Entousand, Adam & Gorman, Sioban, Behind Assad's Comeback, a Mismatch in Commitments, *The Wall Street Journal*, December 31, 2013. <http://online.wsj.com/news/articles/SB10001424052702303453004579292543464208138>
- 2- Muir, Jim, Saudi Arabia recalls ambassador to Syria, BBC website, August 8, 2011. www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-14439303

۸- شجاع، مرتضی (۱۳۸۶)، «رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان و موازنه نیروها در خاورمیانه»، *فصلنامه سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۴۰-۲۳۹.

۹- طاهری‌فر، علی و جهرمی، سیدجواد (۱۳۸۹)، «بررسی خالص صادرات نفت ایران در افق ۱۴۰۴»، *فصلنامه مجلس و پژوهش*، شماره ۶۲.

- ۱۰- کتاب سبز اوکراین (۱۳۸۸)، *مجموعه مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۱- کولایی، الهه (۱۳۹۲)، *سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه*، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۲- گزارش نیویورک‌تایمر، به قلم استنلی رید، ۳۱ ژوئن ۲۰۱۴ www.nytimes.com (برگرفته از هفته‌نامه تجارت، ۱۸ مرداد ۱۳۹۳، شماره ۹۷).
- ۱۳- *هفته‌نامه تجارت فردا* (۱۸ مرداد ۱۳۹۳)، «کشورهای غربی بزرگترین تحریم‌ها علیه روسیه را تصویب کردند؛ تحریم تزارها»، شماره ۹۷.

روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها:

- ۱- پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، واکنش نماینده روسیه در سازمان ملل به تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه، ۲۰ آذر ۱۳۹۴ <http://www.entekhab.ir/fa/news/242126>
- ۲- دانش نفت، مثلث شوم داعش، عربستان و آمریکا در کاهش عمده قیمت نفت، ۱۰ آبان ۱۳۹۳، www.daneshenafi.ir
- ۳- دیپلماسی ایرانی، حمله به فرودگاه اصلی دونتسک، ۵ خرداد ۱۳۹۳، <http://irdiplomacy.ir>
- ۴- سایت خبری اکونیوز، ۲۲ آذر ۱۳۸۸، www.econews.ir
- ۵- سایت خبری سیاسی، ایران و عربستان در سوریه، مواضع تعدیل می‌شود؟، ۲۲ آذر ۱۳۹۴ www.siyasi.ir
- ۶- فاطمه عالی‌شاه، تاثیر بازیگری عربستان بر ترتیبات منطقه‌ای در پرتو حمله به یمن، ۲۴ مرداد ۱۳۹۴، سایت خبری سیاسی www.siyasi.ir
- ۷- فرارو، آیا تقابل ایران و عربستان اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؟، ۳ مرداد ۱۳۹۳ www.fararu.com